



آرزوی مرگ

کلیدواژه: آرزوی مرگ، گناه.

پرسش: چرا آرزوی مرگ کردن گناه است؟

پاسخ: درباره انواع آرزوی مرگ باید بگوییم که گاهی انسان‌ها آرزو می‌کنند در راه خدا کشته شوند و همان‌طور که شهدای کربلا در شب عاشورا چنین آرزویی داشتند و حتی در دعاهای خود آن را با گریه و زاری از خداوند طلب می‌کردند و همان‌طور که شهدای دفاع مقدس نیز آرزو داشتند، خوب، این هم خود نوعی مرگ است. پس چرا این آرزو، آرزوی انسان‌های بزرگ بوده است. گاهی هم برخی انسان‌ها آرزو می‌کنند بمیرند تا از مشکلات و سختی‌هایی که در زندگی با آن مواجه هستند، راحت شوند و اصلاً آرزو می‌کنند کاش متولد نشده بودند. این هم نوعی دیگر، مردن برای رهایی از مشکلات؛ و ممکن است افرادی هم باشند که با جهت‌های دیگر آرزوی مرگ داشته باشند.

فهرست مندرجات

- ۱ - اشکال آرزوی مرگ
- ۱.۱ - آرزوی کشته شدن در راه خدا
- ۱.۲ - آرزوی مردن
- ۲ - نعمت‌های الهی
- ۳ - آرزوی مرگ و دو روی آن
- ۳.۱ - روی اول
- ۳.۱.۱ - آرزوی مرگ حضرت مریم
- ۳.۱.۲ - صبر و توکل به خدا
- ۳.۱.۳ - بالاترین موهبت خداوند
- ۳.۱.۴ - دیدگاه برخی روان‌شناسان
- ۳.۲ - روی دوم
- ۳.۲.۱ - آرزوی جاوید شدن
- ۴ - معرفی منبع
- ۵ - پانویس
- ۶ - منبع

اشکال آرزوی مرگ

این مسئله چند صورت دارد:

← آرزوی کشته شدن در راه خدا

زیرا گاهی انسان‌ها آرزو می‌کنند در راه خدا کشته شوند و همان‌طور که شهدای کربلا در شب عاشورا چنین آرزویی داشتند و حتی در دعاهای خود آن را با گریه و زاری از خداوند طلب می‌کردند و همان‌طور که شهدای دفاع مقدس نیز آرزو داشتند، خوب، این هم خود نوعی مرگ است. پس چرا این آرزو، آرزوی انسان‌های بزرگ بوده است.

← آرزوی مردن

گاهی هم برخی انسان‌ها آرزو می‌کنند بمیرند تا از مشکلات و سختی‌هایی که در زندگی با آن مواجه هستند، راحت شوند و اصلاً آرزو می‌کنند کاش متولد نشده بودند. این هم نوعی دیگر، مردن برای رهایی از مشکلات. و ممکن است افرادی هم باشند که با جهت‌های دیگر آرزوی مرگ داشته باشند. به‌رحال قبل از بررسی این جهات مثبت و منفی، خوب است ابتدا به این مطلب توجه داشته باشیم که:

نعمت‌های الهی

مرگ و زندگی دو نعمت بزرگ الهی هستند.

قانون مرگ از عمومی‌ترین و گسترده‌ترین قوانین این عالم است. همان‌طور که قانون حیات و زندگی این‌طور است. انبیای الهی، صالحین و حتی فرشتگان مقرب هم می‌میرند و جز ذات پاک خداوند در این جهان باقی نمی‌مانند:

«كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ وَبِيعَى وَجْهَهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ؛^[۱] همه کسانی که روی زمین هستند (منظور در عالم) فانی می‌شوند و تنها ذات ذوالجلال و گرامی پروردگارت باقی می‌ماند.»
و آنچه که مقدم بر مرگ - یعنی انتقال انسان از سرای دنیا به سرای جاویدان آخرت - می‌باشد، نعمت حیات و زندگی است. نعمتی که خداوند در قرآن کریم با منت از آنها یاد کرده است و بر بشر تمام نموده است:

«وَهُوَ الَّذِي أَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ؛^[۲] و او کسی است که شما را زنده کرد، سپس می‌میراند، بار دیگر زنده می‌کند (در قیامت)؛ اما انسان بسیار ناسپاس است.»

همین که در آخر آیه می‌فرماید: «انسان بسیار ناسپاس است»، اشاره به این دارد که اولاً مرگ و زندگی هر دو نعمت هستند که مورد کفران نعمت قرار

می‌گیرند [۳] و البته زندگی، اولین نعمتی است که خداوند به انسان لطف کرده و ثانیاً انسان‌ها نسبت به این نعمت‌ها ناسپاس‌اند، از عمر خویش استفاده کافی را نمی‌برند، اوقات خویش را به بطلت می‌گذرانند و گاه و بی‌گاه این نعمت را در کارهای آلوده به گناه صرف می‌کنند و در آخر، همین کارها موجبات رنج و سختی را برایش فراهم می‌سازد و این‌جاست که انسان دوست دارد و آرزو می‌کند کاش اصلاً به دنیا نیامده بود و البته این آرزو که بوی ناامیدی از رحمت خدا و شکایت از تقدیرات او را می‌دهد خودش گناهی دیگر است.

آرزوی مرگ و دوروی آن

در این‌جا دو روی آرزوی مرگ را ترسیم می‌کنیم:

← روی اول

بدون شک تقاضای مرگ از خدا یا آرزوی مرگ کار درستی نیست؛ ولی گاه در زندگی انسان حوادث سختی روی می‌دهد که طعم حیات کاملاً تلخ و ناگوار می‌شود؛ مخصوصاً در آن‌جا که انسان هدف‌های مقدس یا شرف و حیثیت خود را در خطر می‌بیند و توانایی دفاع در برابر آن را ندارد. در این‌گونه موارد گاهی برای رهایی از شکنجه‌های روحی تقاضای مرگ می‌کند. [۴] هنگامی که انسان خیال می‌کند تمام درها به رویش بسته شده و برای حل مسائل هیچ راهی ندارد که بدون شک نمی‌توان گفت انسان در این صورت به بن‌بست رسیده است.

← آرزوی مرگ حضرت مریم

حضرت مریم (علیهاالسلام) نیز چون به لحظات به دنیا آمدن فرزندش عیسی (علیه‌السلام) که خداوند او را بدون پدر به مریم عطا کرده بود، نزدیک و نزدیک‌تر می‌شد، در فکرش این تصور پدید آمد که تمام آبرو و حیثیتش در برابر مردم بی‌خرد، با تولد این نوزاد به خطر خواهد افتاد. این‌جا بود که آرزوی مرگ کرد و فرمود: ای کاش پیش از این مرده بودم و به کلی فراموش می‌شدم: «قالت یا لیتنی میت قبل هذا و كنت نسیاً منسیاً». [۵] وی عفت و پاک‌دامنی را حتی از جانش بیش‌تر دوست می‌داشت و برای آبروی خود، ارزش بیش از حیات خود قائل بود؛ لذا این فکر شاید در لحظات بسیار کوتاهی صورت گرفت و دیری نپایید با دیدن رحمت الهی، این افکارش برطرف شد و نور اطمینان و آرامش و توکل تمام قلبش را فرا گرفت و با قامتی استوار یک‌تنه در برابر تمام مشکلات و گرفتاری‌هایی که یک مشت آدم‌های بی‌خرد برای وی پیش آورده بودند، ایستاد و از ناموس خدا، عفت و پاک‌دامنی خویش دفاع کرد.

← صبر و توکل به خدا

این‌ها درس‌هایی هستند برای ما انسان‌ها که به راحتی در برابر مشکلات و سختی‌های زندگی از میدان به در نشویم و با درایت، صبر، حوصله و توکل به خدا درصدد حل مشکلات برآیم نه این‌که با تبعات پوچ‌گرایی و یأس و نومیدی مشکلی بر مشکلات قبلی بیفزاییم.

← بالاترین موهبت خداوند

زندگی بالاترین موهبتی است که به ما ارزانی شده است؛ همان‌طور که ضرب‌المثل قدیمی می‌گوید «جایی که زندگی هست، امید هست» و چنان‌چه ما همت قبول و انتخاب زندگی را پیدا کنیم، دیگر زندگی کردن آن‌قدر برایمان مشکل نخواهد بود. [۶] اکثر کسانی که به غلط افکار نومیدی و یأس از زندگی به سرشان می‌زند و آرزوی مرگ می‌کنند، حرفشان این است که «لعلنت به این زندگی که من بخواهم انتخابش کنم. این در حقیقت زندگی است که مرا انتخاب کرده است، من از کسی نخواستم مرا به دنیا بیاورد. آمدن من به خواست خودم نبوده و حالا اگر نخواهم این زندگی را که به من تحمیل شده قبول کنم، دیگر چه لزومی دارد زنده باشم».

← دیدگاه برخی روان‌شناسان

دسته‌ای از روان‌شناسان معتقدند که برخی انسان‌ها خود را آن‌گونه که هستند مورد پذیرش قرار نمی‌دهند و در عوض با به‌کارگیری رفتارهایی، به انکار خود و تغییر افکار، هیجان‌ها و کردار خود می‌پردازند و در نهایت دچار اضطراب می‌شوند، در استفاده از نیروها و استعدادها خود ناتوان می‌مانند. [۷] دائماً خود را از این‌که در این دنیا زندگی می‌کنند سرزنش می‌کنند، کارها و روش زندگی خویش را به باد انتقاد می‌گیرند و در نهایت به غلط آرزوی مرگ را در فکر و ذهن می‌پروراندند. قطعاً چنین آرزویی صحیح نیست و از نظر مبانی دین اسلام و آیات قرآن کریم مردود می‌باشد.

← روی دوم

شنیده‌اید که دوست مشتاق ملاقات دوست است و می‌دانیم که لقای معنوی پروردگار در قیامت رخ می‌دهد. هنگامی که مواضع عالم دنیا برطرف شود و غبارهای گناه و شهوات و هوس‌ها فرو نشینند، پرده‌ها برداشته می‌شود و انسان با چشم دل جمال محبوب خویش را می‌بیند.

← آرزوی جاوید شدن

مرگ پلی است که انسان را در این مسیر به دوست می‌رساند؛ لذا شوق پسر ابی‌طالب علی (علیه‌السلام) به مرگ بسیار بیش‌تر از علاقه کودک به سینه مادرش بود و هنگامی که فرق مبارکش از هم شکافته شد، خروشی برآورد که: «فرت وربّ الکعبه؛ قسم به پروردگار کعبه که رستگار شدم». شهدای هشت سال دفاع مقدس برای رسیدن به این مقامات معنوی گوی سبقت را از یک‌دیگر می‌ربودند و اگر زمانی می‌شنیدند که برای شرکت در عملیاتی انتخاب شده‌اند، چنان خوشحال می‌شدند و همچون حالت عروس در حجله دست از پا نمی‌شناختند. خوب چنین آرزویی برای مرگ، آرزوی مرگ نیست؛ بلکه آرزوی جاوید شدن است.

معرفی منبع

۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۴۲، ۴۴، ۴۵، ۴۶.

پانویس

- ↑ الرحمن/سوره ۵۵، آیه ۲۶-۲۷.
- ↑ حج/سوره ۲۲، آیه ۶۶.
- ↑ طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان (ترجمه)، ج ۱۴، ص ۵۷۰، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۱ ش.
- ↑ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۴۴-۴۵، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۶ ش.
- ↑ مریم/سوره ۱۹، آیه ۲۳.
- ↑ بوسکالیبا، لئو، زندگی با عشق چه زیباست، ترجمه توراندخت تمدن (مالکی)، ص ۲۵۲، تهران، نشر دایره، ۱۳۸۰ ش.
- ↑ دادستان، پریخ، روان‌شناسی مرضی تحولی، از کودکی تا بزرگسالی، ج ۱، ص ۱۱۲، تهران، سمت، ۱۳۸۲ ش.

منبع

سایت اندیشه قم، برگرفته از مقاله «آرزوی مرگ»، تاریخ بازبینی ۱۳۹۷/۰۲/۲۵.